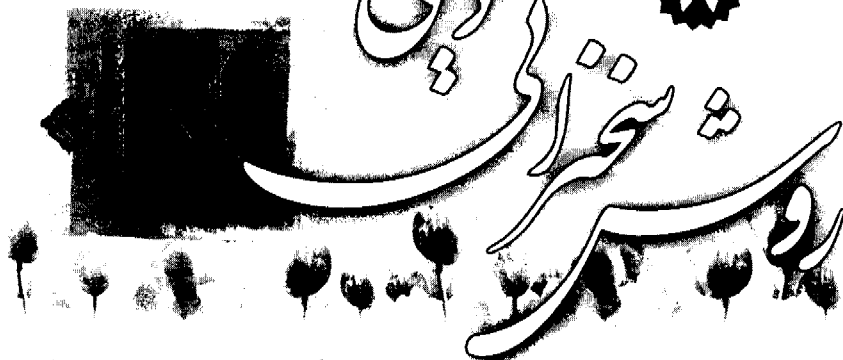


درس دهم و یازدهم:
اسلوبهای سخنرانی



گروه علمی مهارتهای خطابی
پژوهش و تدوین: حسین ملانوری

درس دهم

اهداف این درس

۱. آشنایی با تعریف اسالیب سخن؛
۲. شناخت اجمالی اسلوبهای اقناع اندیشه و جایگاه آنها در سخنرانی دینی.

اسالیب سخن و کاربرد هر کدام

چنانکه پیش‌تر نیز بیان کردیم، اسلوب در لغت به معنای گونه، راه، شیوه، طریق، طرز، پایه و اساس مقام و لحن و ما به الامتیاز اثر آهنگ‌سازی با اثر آهنگ‌ساز دیگر^۱ آمده است. و منظور ما از اسلوب در سخنرانی، شاکله و هیئت محتوایی آن است.

۱. فرهنگ فارسی، دکتر محمدمبین، ۶ جلدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۱، ج ۱.

اگر سخنرانی را مجموعه‌ای متشکل از چند واحد سخن بدانیم، هر واحد از سخن می‌تواند به صورتهای مختلفی اجزای خود را به هم پیوند دهد. هر کدام از این صورتهای را یک اسلوب می‌دانیم؛ مثلاً گاهی واحد سخن، شامل مجموعه‌ای از عبارات برای توضیح یک عبارت خاص است. در این صورت، آن سخن را توضیحی و اسلوب آن را اسلوب «توضیح و تبیین» نام می‌گذاریم.

گاهی واحد سخن مجموعه‌ای از عبارات برای توصیف یک چیز است که آن سخن، را «توصیفی» نامگذاری می‌کنیم و گاهی از عتاب، سرزنش، تحویف، تحذیر، تبشیر و... تشکیل شده است که آن را سخن «موعظه‌ای» می‌نامیم.

همچنین ممکن است واحدهای سخن که در یک سخنرانی گرد آمده‌اند به صورتهای مختلفی به هم پیوند بخورند که هر یک از این شکلها و صورتهای را یک اسلوب می‌نامیم؛ مثلاً اگر مجموعه سخنان ما برای نقد و بررسی یک مکتب است، ممکن است هر یک از عناصر و ارکان آن مکتب با اسلوب توضیح و تبیین بیان شوند و سپس با بیان دلایلی برخی یا همه آنها ابطال شود. در این صورت برای بیان هر یک از ارکان و عناصر از اسلوب «توضیح و تبیین» و برای کل سخنرانی از اسلوب «نقد و بررسی» استفاده شده است.

براساس هدفی که از یک واحد سخن و یا مجموعه سخنرانی داریم، اسلوبها را به دو قسمت اقناعی و احساسی تقسیم می‌کنیم.

البته به دلیل تأثیرات متقابل اندیشه و احساس، هر یک از اسلوبهای اقناعی، باعث تحریک احساس نیز هستند و اسلوبهای احساسی نیز باعث اقناع اندیشه می‌شوند؛ ولی در بعضی، جنبه اقناع و در برخی، جنبه احساس قوی‌تر است؛ از این‌رو اسلوبها را براساس وجه غالب آنها نامگذاری کرده‌ایم.

اسلوبهای اقناع اندیشه

اگر هدف ما اقناع اندیشه مخاطبان باشد، می‌توانیم از اسلوبهای ذیل استفاده کنیم:

۱. تجزیه و تحلیل

تجزیه به معنای پاره‌پاره کردن، تقسیم کردن، بخش‌بخش کردن^۱ و تحلیل، به معنای فرود آمدن در جایی و تحلیل عقده، به معنای نیک گشادن گره می‌باشد.^۲ در اسلوب تجزیه و تحلیل، ابتدا عناصر، عوامل و موارد مرتبط با یک شخص، حادثه، تفکر و اندیشه، مکتب و... را تفکیک می‌کنیم و سپس ارتباطات آنها را با یکدیگر و یا با مجموعه‌ها، عوامل، عناصر و عقاید دیگر بیان می‌کنیم تا حق و باطل روشن شود.

برای مثال زمانی که برخی رسانه‌های دنیا خبر دادند وزیر امور خارجه آمریکا برای سبز بختی ملت ایران در روز ۱۳ فروردین علف گره زد، بعضی تصور کردند، آمریکا خیرخواه ایران است و وزیر امور خارجه آمریکا دلش برای آزادی، آبادی و خوشبختی ایرانیان می‌تپد.

در این شرایط اگر کسی بخواهد اندیشه مخاطبان خود را نسبت به وزیر امور خارجه آمریکا اصلاح و فکر آنان را درباره عملکرد زشت این شخص قانع سازد، می‌تواند رفتارهای مختلف او درباره ایران و ایرانیان را جداگانه مطرح، و بعد جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کند؛ مثلاً اگر خبر گره زدن علف برای سبز بختی ایرانیان را کنار یک خبر دیگر قرار دهیم، نتیجه جالبی به دست می‌آید.

۱. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمدمبین و دکتر سیدجعفر شهیدی، انتشارات دانشگاه تهران،

چاپ اول از دوره جدید، تهران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۶۴۰.

۲. همان، ص ۵۶۷۴.

آن خبر، این است که وزیر امور خارجه آمریکا چند روز پس از گره زدن علف، در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که اگر بخواهد شرارت از دنیا برچیده شود، باید مراکز شرارت از بین برود. وقتی سؤال شد، مراکز شرارت کجاست؟ در پاسخ گفت: «ایران و کره شمالی».

اکنون اگر این دو خبر را که درباره عملکرد یک فرد است کنار هم بگذاریم، با توجه به اندیشه ماکیاویستی حاکم بر سیاستمداران آمریکا به این نتیجه می‌رسیم که او خیرخواه مردم ایران نیست و اگر احیاناً حرکتی به ظاهر خیرخواهانه انجام می‌دهد، جنبه تبلیغاتی دارد، و برای فریب اذهان عمومی است.

۲. تعلیل و توجیه

تعلیل در لغت به معنای بیان علت و سبب چیزی و اثبات کردن با دلیل می‌باشد،^۱ و توجیه به معنای نیک بیان کردن، ایراد کلام بر وجهی که کلام خصم بدان منافع گردد، توضیح و تفسیر، معنی کردن، تأویل کردن، موجه ساختن و ... آمده است.^۲ در اسلوب تعلیل و توجیه به بیان حکمتها و دلایل یک مسئله یا حکم و ... می‌پردازیم؛ مثلاً اگر بحث درباره حجاب است، حکمتهای حجاب را بیان می‌کنیم و اگر بحث درباره حرمت خوردن گوشت خوک است، به بیان حکمتهای آن می‌پردازیم.

البته باید توجه کرد که ما قادر به بیان فلسفه و چرایی قطعی همه احکام نیستیم و فقط به آن مقدار به صورت قطعی می‌توان نظر داد که در روایات معتبر اهل بیت علیهم‌السلام و یا قرآن کریم وارد شده باشد.^۳ در غیر این موارد، تا آنجا که علوم

۱. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، ج ۲، ص ۵۹۷۱.

۲. همان، ص ۶۲۳۲.

۳. در کتاب «علل الشرایع» مرحوم شیخ صدوق، روایات مشتمل بر فلسفه احکام گرد آمده است.

بشری به نظریه علمی رسیده است، فقط به عنوان احتمالی برای حکمت حکم، می شود اشاره کرد.

اسلوب تعلیل و توجیه در غیر احکام شرعی به صورت بیان دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسائل، مطالب و ادعاهای مطرح شده در سخنرانی ارائه می شود.

۳. توضیح و تبیین

گاهی برای اقناع اندیشه مخاطبان باید ارکان، عناصر، عوامل، نتایج و مسائل مرتبط با یک پدیده، اندیشه، حادثه و... را توضیح داد و با روشنگری در اطراف مسئله، اعتقاد آنان را اصلاح کرد. در بعضی موارد برای اصلاح برداشت از یک آیه قرآن یا سخنی از معصومان، باید آن آیه یا روایت را کاملاً توضیح داد و روشن کرد.

گاه برای اصلاح باور و اعتقاد مخاطب لازم است که فقط تصورات او را اصلاح کنیم؛ یعنی وضعیت او به گونه ای است که با اصلاح تصور، تصدیق وی نیز اصلاح می شود؛ مثلاً برای کسی که تصویر غلطی از اسلام و تصور غلطی از زرتشت در ذهن دارد و با همین تصورات غلط، مکتب زرتشت را برتر از مکتب اسلام می داند، اگر تصورات او را اصلاح کنیم، در مرحله باور و اعتقاد نیز تصدیق خواهد کرد که اسلام، برتر است.

در این گونه موارد، اسلوب «توضیح و تبیین» برای اقناع اندیشه مخاطبان مناسب است.

۴. تقسیم و تنظیم

تقسیم بندی، تنظیم و دسته بندی مطالب، باعث سهولت در فهم است و در مواردی که تقسیم مطالب حصرهای عقلی ایجاد کند، در قانع ساختن ذهن مخاطب بسیار مؤثر است. بسیاری از مباحث اعتقادی به این صورت ارائه می شود؛ مثلاً گفته می شود که موجود یا واجب است و یا ممکن؛ یعنی احتمال

دیگری در آن مطرح نیست. اگر ممکن است... و اگر واجب باشد... و در پایان، نتیجه‌گیری مطلوب صورت می‌گیرد.^۱

۵. گزارش تحقیق

سخنران در این اسلوب، گزارشی از تحقیق خود درباره موضوع بحث را ارائه می‌کند؛ مثلاً می‌گوید برای تحقیق در موضوع بحث با چه سؤالی کار خود را آغاز کردم، چه فرضیه‌هایی داشتم، چگونه مطالعه کردم، چه کتابهایی را دیدم، با چه افرادی صحبت کردم، چه جوابهایی گرفتم، چگونه تحلیل کردم و به چه نتیجه‌ای رسیدم.

همان گونه که محقق با طی مراحل تحقیق اقناع می‌شود، مخاطبان او نیز با شنیدن سیر تحقیق وی، در اغلب موارد به همان نتایجی می‌رسند که او رسیده است و ذهن آنها کاملاً قانع می‌شود.

۱. منطقیین برای تقسیم انواعی را ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از:

تقسیم تفصیلی استقرائی: اگر در تقسیم، همه اقسام یکجا ذکر شوند ولی محصور به حصر عقلی نباشند، آن را تقسیم تفصیلی استقرائی گویند؛ مثل تقسیم ادیان الهی به یهودی، نصرانی و اسلامی.

تقسیم تفصیلی عقلی: اگر در تقسیم، اقسام محصور به حصر عقلی باشند و همه یکجا ذکر شوند، آن را تقسیم تفصیلی عقلی گویند؛ مثل تقسیم کلمه به اسم، فعل و حرف.

تقسیم تنائی: تقسیم مقسم براساس نفی و اثبات را تقسیم تنائی گویند؛ مثل اینکه بگویم: حیوان یا ناطق است یا غیرناطق و ناطق یا شاعر است یا غیرشاعر و ... در هر مرحله از تقسیم تنائی دو قسم بیشتر وجود ندارد و این دو قسم، نقیض یکدیگرند.

تقسیم طبیعی: تقسیم «کل» خارجی یا ذهنی را به اجزاء آن تقسیم طبیعی گویند؛ مثل تقسیم مفهوم انسان به حیوان و ناطق، و یا تقسیم یک مولکول آب به اکسیژن و هیدروژن.

تقسیم منطقی: تقسیم «کلی» به جزئیات را تقسیم منطقی گویند؛ مثل تقسیم «کلمه» به اسم، فعل و حرف. (منطق، علامه محمدرضا مظفر، ترجمه و اضافات: علی شیروانی با باورقی غلامرضا فیاضی و محسن غروی، انتشارات دارالعلم، چاپ اول، قم، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۵۴.)

۶. مقایسه و ترجیح

در اسلوب مقایسه و ترجیح، دو حادثه یا پدیده، دو اندیشه، دو مکتب و یا هر چیز دیگری در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و با هم مقایسه می‌شوند؛ آن‌گاه یکی از آنها بر دیگری ترجیح داده شده، اولویت و برتری آن ثابت می‌شود؛ مثلاً شرایط اقتصادی، امکانات، درآمدها، نیروی انسانی و جمعیت دو کشور عربستان سعودی و ایران در مدت زمانی بعد از جنگ تحمیلی تا کنون با یکدیگر مقایسه و سپس نتیجه‌گیری می‌شود که نظام ایران با توجه به خرابیهای باقی‌مانده از جنگ و پایین‌تر بودن منابع مالی و بیشتر بودن جمعیت کشور، در تولید علم و فناوری، پیشرفتهای اقتصادی و... موفق‌تر عمل کرده است. پس این نظام از آن نظام کارآمدتر است.

یا حقوق سیاسی مردم در اسلام و کمونیسم با یکدیگر مقایسه، و نظام سیاسی اسلام ترجیح داده می‌شود.

۷. طرح مسئله و تبیین آن

گاهی مخاطب فقط به این نیاز دارد که مسئله‌ای را برای او تبیین کنند تا آن را بفهمد. عمده سخنرانیهایی که برای مخاطبان معمولی انجام می‌شود از این قبیل‌اند؛ مثلاً مسئله آزادی، حجاب، امر به معروف و نهی از منکر و... در ابتدای سخنرانی مطرح و سپس مباحث مختلف مرتبط با آن تبیین و تشریح می‌شود.

۸. نقد و بررسی

در اسلوب نقد، ابتدا عناصر، عوامل، نظریه‌ها و موارد مرتبط با یک مسئله به تفکیک توضیح داده می‌شود؛ آن‌گاه همه یا برخی از آنها در معرض اشکال و ایراد قرار می‌گیرند و رد می‌شوند و سپس نظر یا مورد حق و درست بیان می‌شود.

۱. نقد در لغت به معنای جدا کردن دینار و درهم سره از ناسره، تمیز دادن خوب از بد، آشکار کردن معاسن و معایب سخن، و... آمده است. (فرهنگ فارسی، دکتر محمدمعین، ج ۲، ص ۲۷۸۴).

تفاوت اسلوب نقد با اسلوب تجزیه و تحلیل در این است که در نقد، همه و یا بعضی از محورها و عناصر، هدف اشکال قرار می‌گیرد و ابطال می‌شود؛ ولی در تجزیه و تحلیل، روابط عناصر و محورها کشف و با توجه به عقاید و اندیشه‌های موجود، جمع‌بندی صورت می‌گیرد.

کتابهای اصولی حوزه‌های علمیه، بیش‌تر با اسلوب نقد، نگارش یافته‌اند؛ مثلاً مرحوم شیخ انصاری در کتاب رسائل خود، اول نظریه مخالف را مطرح کرده، ارکان و دلایل مختلف مرتبط با آن را به خوبی توضیح می‌دهد؛ به حدی که خواننده تصور می‌کند کاملاً درست هستند، و سپس همه یا بعضی از آنها را رد کرده، نظر خود را بیان می‌کند.

اگر یک سخنران دینی مثلاً بخواهد درباره سکولاریزم اقلان اندیشه کرده، بطلان آن را اثبات کند، می‌تواند به عناصر اصلی اعتقاد به سکولاریزم بپردازد و سپس هر یک از آنها را با توجه به اعتقادات اسلامی رد کند.

۹. مناظره و گفتگو^۱

مناظره در لغت به معنای بحث و جدال،^۲ مباحثه و مجادله کردن، توجه متخصصین در اثبات نظر خود در مورد حکمی از احکام و نسبتی از نسبتها برای آشکار کردن حق و صواب^۳ آمده است.

۱. با اسلوب مناظره و گفتگو، هم می‌توان اقلان اندیشه کرد و هم می‌توان احساس را تحریک نموده از اینرو می‌توان آن را از جمله اسلوبهای تحریک احساس نیز به شمار آورد.

۲. فرهنگ لاروس، حمید طبیبیان، ترجمه «المصجم العربی الحدیث»، انتشارات امریکیر، تهران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۰۱۱.

۳. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۴، ص ۴۳۷۲.

از نظر ابوعلی سینا در منطق شفا کلمه مناظره از ریشه نظر و اعتبار گرفته شده است و غرض از مناظره، مباحثه پیرامون دو رأی متقابل است؛ پس هر یک از طرفین مناظره عهده‌دار تأیید یکی از دو جانب بحث برای ایجاد علم در طرف مقابل است و لذا مناظره به آموزش ملحق می‌شود؛ زیرا هدف مناظره کنندگان حصول علم است.^۱

ممکن است سخنران دینی برای اقناع اندیشه مخاطبان خود، یک گفتگو و مناظره صوری راه بیندازد و خود به جای دو طرف مناظره سخن بگوید. در واقع، سخنرانی تبدیل به یک مناظره می‌شود که در آن دیدگاههای مختلف، مطرح و در معرض تأیید و ردّ با بیان دلیل قرار می‌گیرد و در پایان، سخنران، بحث ارائه شده را جمع‌بندی می‌کند. بسیاری از کتابهای علمی حوزویان مملوّ از انّ قلت، قلت؛ ها، و قیل و قالهاست که در واقع مناظره صوری در آنها رعایت شده است.^۲

۱۰. پرسش و پاسخ

سخنران در این اسلوب به صورت خیلی ساده، پرسشهایی را که برای مخاطب مطرح و دانستن پاسخ آنها لازم است، مطرح می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد. ممکن است در یک سخنرانی، یک یا چند پرسش مطرح و جواب داده شود.

۱. الشفاء، ابن سینا، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۲ ق. المنطق، کتاب البرهان، ج ۶ ص ۲۲.

۲. مناظره گاه برای اثبات حق و گاهی برای اسکات خصم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مناظره از همه مبادئ قیامهای منطقی استفاده می‌شود؛ از اینرو می‌توان مناظره را به پنج قسم مناظره برهانی، مناظره مغالطی، مناظره جدلی، مناظره خطایی و مناظره شعری تقسیم کرد. اما مناظره‌ای که برای افاده تصدیق صورت می‌گیرد به سه قسم برهانی، مغالطی و جدلی تقسیم می‌شود. برای آشنایی بیش‌تر رجوع کنید به: فن مناظره، محسن غرویان - حمیده غرویان، انتشارات دارالعلم، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷، ص ۴۸ - ۸۹.

پرسش‌نامه

۱. منظور از اسالیب سخن چیست؟ توضیح دهید.
۲. اسلوبهای سخنرانی بر چه اساسی و بر چند قسم کلی تقسیم می‌شوند؟ نام ببرید.
۳. اسلوبهای اقناع اندیشه را نام ببرید.
۴. اسلوب تجزیه و تحلیل را تعریف کرده، با یک مثال توضیح دهید.
۵. منظور از تعلیل و توجیه چیست؟ توضیح دهید.
۶. چگونه با اسلوب توضیح و تبیین به اقناع اندیشه می‌توان پرداخت؟
۷. تقسیم و تنظیم چه نقشی در اقناع و فهم مخاطب دارد؟
۸. چگونه در اسلوب گزارش تحقیق به اقناع مخاطب می‌پردازیم؟
۹. اسلوب مقایسه و ترجیح را با یک مثال توضیح دهید.
- تفاوت نقد و بررسی با تجزیه و تحلیل در چیست؟ توضیح دهید.
- اسلوب مناظره و گفتگو را بیان کنید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فعالیت پژوهشی و تمرینی

۱. در یک مباحثه دوستانه، اسلوبهای دیگری برای اقناع اندیشه مخاطبان بیابید و نحوه استفاده از آنها در سخنرانی دینی را روشن سازید.
۲. با تهیه مواد مناسب، هر یک از اسلوبهای اقناع اندیشه را در جمع گروهی دوستان و یا در صورت وجود زمان کافی، در کلاس با حضور استاد خود تمرین کنید.

درس یازدهم

اهداف این درس

۱. آشنایی با اسلوبهای تحریک احساس؛
۲. شناخت نکات کاربردی درباره مواد و اسلوبهای سخن.

اسلوبهای تحریک احساس

در درس گذشته با برخی اسلوبهای اقناع اندیشه آشنا شدیم. اکنون بعضی از اسالیب تحریک احساس را بررسی می‌کنیم.

جهت برانگیختن احساس مخاطبان از اسلوبهای ذیل می‌توان استفاده کرد:

۱. داستانی

در اسلوب داستانی، یک داستان به‌خوبی پرورانده می‌شود و با بیان ظرافتهای واقعه و گره زدن آنها با مخاطب و موضوع بحث، تحریک احساس در مخاطب ایجاد می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم، این اسلوب را به‌خوبی اجرا کرده است. نمونه بسیار زیبای آن را در سوره یوسف می‌توان دید و چگونگی پرورش داستان و گره خوردن مطالب آن با مخاطب را بررسی کرد. همچنین به لحاظ اجرای این اسلوب در سخنرانی، نمونه‌های بسیار گویای آن را در سخنرانیهای مرحوم کافی می‌توان یافت.

۲. توصیفی و ترسیمی

می‌توان با توصیف کردن یک واقعه، فرد، شیء، اندیشه، مکتب و یا هر چیز دیگری، احساسات مخاطبان را برانگیخت؛ برای نمونه آن‌گاه که امام حسین علیه السلام با اوصاف زیبایش توصیف می‌شود، علاقه و محبت نسبت به او در مخاطبان برانگیخته می‌شود و آن‌گاه که یزید بن معاویه توصیف می‌شود، احساس نفرت

عجیبی در انسان به وجود می‌آید و آن‌گاه که مهدی فاطمه علیها السلام با ویژگیها و اوصاف ظاهری و معنوی‌اش توصیف می‌شود، انسانها به او علاقه‌مند می‌شوند.

قرآن کریم وضعیت سابقون را در قیامت چنین توصیف و ترسیم کرده است:

﴿عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ * مُتَكِينِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ * يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ * بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ * لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزَفُونَ * وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ * وَنَعْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ * وَحُورٍ عِينٍ * كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ * جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا * إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا﴾^۱ «آنها بر تختهایی که صف

کشیده و به هم پیوسته است قرار دارند، در حالی که بر آن تکیه زده و رو به روی یکدیگرند. نوجوانانی جاودان [در شکوه و طراوت] پیوسته گرداگرد آنان می‌گردند، با قدحها و کوزه‌ها و جامهایی از نهرهای جاری بهشتی [و شراب طهور]؛ اما شرابی که از آن در دسر نمی‌گیرند و مست نمی‌شوند و میوه‌هایی از هر نوع که انتخاب کنند، و گوشت پرنده از هر نوع که مایل باشند و همسرانی از حور العین دارند؛ همچون مروارید در صدف پنهان. اینها پاداشی است در برابر اعمالی که انجام می‌دادند. در آن [باغهای بهشتی] نه لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند، نه سخنان گناه‌آلود، تنها چیزی که می‌شنوند، سلام است سلام.»

با شنیدن این آیات، در مخاطب احساس اشتیاق به بهشت ایجاد می‌شود.

۳. تخیلی و شاعرانه

تخیل در لغت به معنای خیال بستن، خیال کردن و پنداشتن^۲ آمده است. و شاعرانه یعنی، مربوط به شاعران، به شیوه گویندگان، جنبه شاعرانه، همچون شاعران، به سبک شاعران.^۱

۱. واقعه / ۱۵ - ۲۶.

۲. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۱، ص ۱۰۵۲.

شعر سخن و کلامی خیال‌انگیز است که از تخیلات آدمی سرچشمه می‌گیرد. گاهی انسان در افکار و اندیشه‌های خود یک سری امور خیالی می‌سازد و بین آنها روابطی برقرار می‌کند و به صورت موزون با قافیه‌های متناسب ارائه می‌کند که به آن شعر گفته می‌شود.^۲

در عرف عام نظم^۳ را از روی تسامح به شعر نیز اطلاق می‌کنند؛ در حالی که نظم در اصطلاح سخنی است که موزون و مقفا باشد و شعر - طبق تعریف قدما - «کلام موزون و مخیّل» است.^۴ بنابراین، مقفا بودن جزء ماهیت شعر نیست و «نثر شعرگونه» یا «شعر منتور» هم می‌تواند وجود داشته باشد، و طبق تعریف علمی و امروزی، شعر «گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته باشد.» و بنابراین تعریف، عناصر سازنده شعر عبارت است از: عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و تشکل؛ اما نظم تنها، کلامی موزون و مقفاست و از عنصر عاطفه و تخیل به دور می‌باشد.^۵

۱. همان، ج ۲، ص ۱۹۹۸.

۲. فن مناظره، محسن غرویان - حمیده غرویان، ص ۷۲.

۳. «سخن بر دو گونه است: یا نثر است یا نظم. نثر، در لغت به معنی پراکندن و افشاندن و نیز به معنی افشاندن و پراکنده است؛ و در اصطلاح سخنی است که مقید به وزن و قافیه نباشد.» زبان و نگارش فارسی، حسن احمدی گویی - اسماعیل حاکمی - پدافه شکری - سید محمود طباطبایی اردکانی، سمت، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰.

۴. معیار الاشعار، خواجه نصرالدین طوسی، به اهتمام محمد فشارکی و جمشید مظاهری، سهروردی، اصفهان، ۱۳۶۳، ص ۱.

۵. زبان و نگارش فارسی، همان مؤلفان، ص ۱۲۴.

اهل منطق نیز شعر را چنین تعریف کرده‌اند: «شعر، کلامی خیال‌انگیز است که از سخنان موزون، [ابیات و مصراعهای] مساوی یکدیگر و دارای قافیه تألیف شده است.»^۱

چنانکه پیداست بین تخیل و شعر پیوندی عمیق وجود دارد و هر سخن شاعرانه‌ای لزوماً تخیلی نیز هست، گرچه هر سخن تخیلی شعر نیست. البته شعر در منطق قدیم به معنی کلام تخیلی و خیالی است و حیثیت وزن و قافیه داشتن در آن لحاظ نشده است. بنابراین اگر سخنی منظوم باشد ولی تخیلی نباشد، از نظر ارسطو و امثال او شعر محسوب نمی‌شود. از اینرو سخنان منظومی که در باب مسائل علمی یا تاریخی مانند الفیه ابن مالک، منظومه حاج ملاهادی سبزواری و از این قبیل مطرح شده، شعر به اصطلاح منطقی نیستند؛^۲ چنانکه در اصطلاح علمی ادبیات امروز نیز به دلیل فاقد تخیل بودن، شعر محسوب نمی‌شوند.^۳

برخی مخاطبان از سخنان تخیلی و شاعرانه بیشتر متأثر می‌شوند. مخاطبان احساسی، افراد دارای ذوق هنری، همچنین بسیاری از کودکان و نوجوانان به این اسلوب بیش‌تر علاقه نشان می‌دهند. در اسلوب تخیلی و شاعرانه از قوه خیال‌پردازی استفاده می‌شود و افراد زیادی به این نوع مطالب، علاقه بیشتری دارند و با آنها حس می‌گیرند. در اینجا توجه به نوع مخاطب بسیار مهم است؛ زیرا برخی مخاطبان نیز این‌گونه سخن گفتن را خیالبافی و کار بچه‌ها می‌دانند.

۱. «أَبْنَةُ كَلَامٍ مُخَيَّلٍ مُؤَلَّفٍ مِنْ أَقْوَالٍ مَوْزُونَةٍ مُتَسَاوِيَةٍ مَقْفَاةٍ»: المنطق، محمدرضا مظفر، انتشارات فرورآبادی، قم، بی تا، ص ۴۰۵.

۲. فن مناظره، محسن غرویان - حمیده غرویان، ص ۷۲.

۳. زبان و نگارش فارسی، همان مؤلفان، ص ۱۲۲.

۴. ادبی

در اسلوب ادبی از دست‌مایه‌های ادبی مثل نظم و نثر ادبی زیبا استفاده می‌شود. استفاده از صنایع ادبی، زیبایی خاصی به سخن می‌بخشد و حس زیبایی دوستی و نوگرایی انسان را ارضا می‌کند.

برخی از دانشمندان علم ادبیات، معتقدند ادبیات را می‌توان به دو بخش تخیلی و غیر تخیلی تقسیم کرد و عناصر تخیل، تصویرگری و امکان برداشتهای گوناگون از متن را مهم‌ترین صفات ممیزه ادبیات تخیلی دانست، و اصالت، انشای والا، ابتکار و ارزشهای زیبایی شناختی را از ویژگیهای بارز ادبیات غیرتخیلی برشمرد. براین اساس می‌توان آثاری مثل غزلیات مولانا و حافظ را جزو ادبیات تخیلی و آثاری همچون تاریخ بیهقی و سفرنامه ناصر خسرو را جزو ادبیات غیرتخیلی به شمار آورد.^۱

با این حساب موارد تفاوت و شباهت اسلوب ادبی با اسلوب تخیلی و شاعرانه روشن می‌شود. در اسلوب ادبی گاهی همچون اسلوب تخیلی و شاعرانه از قوه خیال بهره گرفته می‌شود و گاهی چنین نیست. همچنین در اسلوب ادبی گاهی از شعر و زمانی از نثر ادبی استفاده می‌شود. درباره استفاده از شعر و نثر ادبی در سخنرانی دینی در درسهای بعدی توضیحات بیشتری خواهد آمد.

۵. مناجاتی

مناجات در لغت به معنای راز و نیاز کردن با کسی، نجوی کردن با کسی، با خدا راز و نیاز کردن، رازگویی، عرض نیاز به درگاه خدا،^۲ خواستن برآورده شدن حاجت از خداوند و راز و نیاز کردن با او همراه با سپاس از وی^۳ آمده است. از اینرو گرچه در اصطلاح مشهور، لفظ مناجات را فقط درباره گفتگوی یک‌طرفه

۱. نقد ادبی، حمیدرضا شایگان‌فر، انتشارات دستان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۵ و ۱۶.

۲. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۲، ص ۴۳۶۸.

۳. فرهنگ بزرگ سخن، دکتر حسن انوری، انتشارات سخن، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۷۳۶۳.

با خدای متعال بکار می‌برند؛ ولی از نظر لغوی شامل گفتگو با غیر خدا نیز می‌شود.

در اسلوب مناجاتی، سخنران به گفتگوی یک‌طرفه با خدا، انسانهای والامقام، طبیعت، گیاهان و... می‌پردازد و در قالب این مناجات و گفتگوی یک‌طرفه، مفاهیم مورد نظر را به مخاطب منتقل می‌کند؛ مثلاً ممکن است سخنران درباره حوادث قبل و بعد از جنگ تحمیلی با شهدا سخن بگوید و بسیاری از مشکلات امروز و راهی را که باید رفت با آنها در میان بگذارد و یا از اول تا آخر سخنرانی با خدا سخن بگوید.

بیش‌تر دعاها و مناجات امام سجاد علیه السلام با خدای بزرگ، سرشار از معارف اسلامی است و آن حضرت معارف دینی را در قالب مناجات به مخاطبان خویش ارائه کرده و در عین حال، احساس عشق به خدا و معنویت را در آنان ایجاد کرده است.

۶. موعظه‌ای

موعظه به معنای وعظ و پند و اندرز^۱، نصیحت و بیان مطالب اخلاقی، به‌ویژه از سوی علمای دینی^۲ می‌باشد. در اسلوب موعظه از جملات بیان‌کننده امر و نهی، عتاب و خطاب و سرزنش، و سؤال و پرسش استفاده می‌شود و در همه این‌گونه جملات، احساس مخاطب برانگیخته می‌شود.

سخنرانیهای اساتید اخلاق به‌طور عمده با این اسلوب ارائه می‌شوند که نمونه‌های بارز آن را در سخنرانیهای اخلاقی امام راحل علیه السلام، استاد مظاهری (حفظه‌الله) و مرحوم آیت الله مشکینی می‌توان دید.

۱. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۲، ص ۴۴۲.

۲. فرهنگ بزرگ سخن، دکتر حسن انوری، ج ۷، ص ۷۴۹۱.

۷. تعظیمی

گاهی برای برانگیختن احساس مخاطبان به بزرگداشت یک شیء، شخص یا عقیده و مکتب و مهم قلمداد کردن آن می‌پردازیم؛ البته نه به گونه‌ای که باعث غلو و تحریف در دین شود؛ بلکه در حقیقت بزرگی و اهمیت یک چیز بزرگ و مهم را به خوبی بیان می‌کنیم. در قرآن کریم نیز از این‌گونه بیان استفاده شده است؛ مثلاً خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ • وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ • لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾^۱ «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم و تو چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است.»

۸. تکراری

گاهی مطالب خود را تکرار می‌کنیم تا اهمیت آن را بیان کنیم و احساس مخاطب را نسبت به آن برانگیزیم. خداوند متعال از این اسلوب به وفور در قرآن استفاده کرده است؛ مثلاً می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنْتَظِرْ نَفْسُ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بپرهیزید، و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»

چنان‌که ملاحظه می‌کنید در این آیه، عبارت «اتَّقُوا اللَّهَ» تکرار شده است. همچنین امام علی علیه السلام با تکرار کلمه الله در جمله‌های ذیل به تحریک احساس مخاطبان خود پرداخته است: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْإِيْتَامِ، اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ، اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ»^۳ خدا را خدا را دربارہ یتیمها [رعایت کنید]، خدا را خدا را دربارہ همسایگانتان [رعایت کنید]، خدا را خدا را دربارہ قرآن [رعایت کنید].»

۱. قدر/۱ - ۳.

۲. حشر/۱۸.

۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، انتشارات دار الهجرة، قم، نامه ۲۷، ص ۲۲۱.

۹. تأکیدی

گاهی با تأکید سعی می‌کنیم احساس مخاطب را برانگیزیم؛ مثل این جمله خداوند متعال که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً»؛^۱ «خداوند حتماً همه گناهان را می‌بخشد». در این آیه کلمه «إِنَّ» جمله اسمیه، ال در الذنوب، و جمیعاً، همه دلالت بر تأکید دارند و احساس شوق‌انگیزی در مخاطب برای حرکت به سوی خدا و توبه به درگاه حضرتش ایجاد می‌کنند.

نکات قابل توجه

۱. معمولاً در یک سخنرانی از چند اسلوب استفاده می‌شود که برای تنوع‌بخشی نیز چنین کاری مناسب‌تر است؛ اما اگر از ابتدا تا انتهای سخنرانی یک اسلوب رعایت شود، آن سخنرانی را می‌توانیم با همان اسلوب نامگذاری کنیم و مثلاً آن را سخنرانی ادبی یا داستانی و ... بنامیم.

۲. ذائقه برخی مخاطبان به محتواها و اسلوبهای خاص، گرایش بیشتری دارد؛ مثلاً طلاب و قشر متدین جامعه با اشرف مواد و اسلوب توضیح و تبیین انس بیشتری دارند؛ از اینرو در تنظیم محتوا باید به گرایشهای آنان توجه کرد.

۳. گاهی برخی مواد سخنرانی برای توضیح مواد دیگر به کار گرفته می‌شوند؛ مثلاً از روایتی برای توضیح آیه یا روایت دیگری استفاده می‌شود. این‌گونه سخنرانیها علمی‌تر می‌نمایانند و از اتقان بیشتر برخوردارند و از تحریف مصون‌تر می‌مانند.

انتخاب صحیح و دقت لازم در آیات و احادیث توضیح دهنده، سخنرانی را ارزشمند می‌سازد. سخنرانی که در توضیح یک آیه از چند روایت استفاده می‌کند و حتی قصه‌های روایی را برای توضیح آن آیه به کار می‌گیرد و یا برای توضیح

یک آیه از چند آیه دیگر استفاده می‌کند و در عین حال، جاذبه و سطح فهم سخنرانی را حفظ می‌کند؛ سخنرانی ارزشمندی را ارائه کرده است.

پرسش‌نامه

۱. اسلوبهای تحریک احساس را نام ببرید.
۲. اسلوب داستانی را با یک مثال قرآنی توضیح دهید.
۳. چگونه با اسلوب توصیفی و ترسیمی به تحریک احساس مخاطبان می‌پردازیم؟
۴. اسلوب تخیلی و شاعرانه برای چه نوع مخاطبانی مناسب‌تر است؟
۵. اسلوب مناجاتی را توضیح دهید.
۶. در اسلوب موعظه‌ای از چه نوع جملاتی استفاده می‌شود؟
۷. با استفاده از آیات قرآن، اسلوبهای تعظیمی، تأکیدی و تکراری را توضیح دهید.
۸. منظور از اسلوب ادبی چیست؟ مثال بزنید.
۹. آیا سخنرانیها معمولا تک اسلوبی هستند یا چند اسلوبی؟ توضیح دهید.

پژوهش و تمرین

۱. از طریق مباحثه با دوستان خود، اسلوبهای دیگری برای تحریک احساس بیابید.
۲. هر یک از اسلوبهای تحریک احساس را در گروههای چند نفره و یا در صورت وجود فرصت، در کلاس و زیر نظر استاد خود تمرین کنید.